



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

فناى اصحاب حضرت سيد الشهداء عليه السلام

تاریخ انتشار: شنبه ۱۰ رجب ۱۴۳۵

هو العظیم

واقعه عاشورا دارای ابعاد بسیار گسترده و عجیبی است. یکی از این ابعاد مقامات و احوال اصحاب حضرت سید الشهداء علیه السلام است. در این مقاله به بررسی اجمالی برخی از روایات پرداخته شده است که بر مقامات بلند اصحاب حضرت دلالت نموده و به نوعی می‌توان از آن وصول ایشان را به مقام فناء و طهارت ذاتیه استفاده نمود.

فناي اصحاب حضرت سيد الشهداء عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و ءاله الطاهرين

و لعنة الله علي اعدائهم اجمعين و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

واقعه عاشورا دارای ابعاد بسیار گسترده و عجیبی است. یکی از این ابعاد جذبات ملکوتی نفس مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام است که هر کس به آن نفس قدسی اتصال می‌یابد از برکات آن بهرمنند می‌شود و به سرعت به سوی عالم قدس و طهارت حرکت می‌کند. یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این حقیقت مقامات عرفانی اصحاب بزرگوار آن حضرت است که در اثر جانفشانی در مسیر حضرتش به درجات بسیار بلندی دست یافتند. مرحوم علامه آیه الله حسینی طهرانی قدس سره فرموده بودند: «تمام اصحاب امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به مقام فناء رسیدند و سپس شهید شدند.»

در این مختصر به بررسی برخی از روایاتی می‌پردازیم که به نوعی بر مقامات بلند آن بزرگواران دلالت داشته و برخی اشعار یا دلالت بر فناء ایشان دارد.

۱- در برخی از زیارت‌های وارده در خطاب به اصحاب حضرت آمده است: السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاجِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ [طَاهِرُونَ] مِنَ الدَّنَسِ [۱] «سلام بر ارواحی که در کنار قبر ابي عبد الله الحسين عليه السلام آرمیده‌اند. سلام بر شما اي پاک‌شدگان از آلودگی و دنس.»

اگر این خطاب شریف به ظاهرش باقی بماند دلالت بر طهارت و پاکی اصحاب حضرت از هر کدورت و آلودگی و از اشتغال به ما سوی الله می‌نماید؛ چنانکه در وصف اهل بیت علیهم السلام در اشاره به آیه تطهیر مکرراً تعبیر تطهیر از دنس به کار رفته است. [۲]

و در مجمع البیان در تفسیر آیه شریفه سقاہم ربہم شراباً طہوراً از حضرت صادق علیہ السلام آورده است: یطہرہم عن کل شیء سوی اللہ إذ لا طہر من تدتس بشیء من الأكوان إلا اللہ [۳] «آن شراب ایشان را از هر چیزی غیر از خدا پاکیزه می‌نماید؛ زیرا هیچ چیز غیر از خدا نیست که از آلودگی به آکوان پاک باشد.» [۴]

۲- در روایت معروف منقول از حضرت زینب کبری از ام ایمن از رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در وصف حضرت سید الشهداء و اصحاب آن حضرت آمده است: فَإِذَا بَرَزْتَ تِلْكَ الْعِصَابَةَ إِلَى مَضَاجِعِهَا- تَوَلَّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْضَ أَرْوَاحِهَا بِيَدِهِ [۵] «هنگامی که آن گروه به جایگاه شهادتشان برسند، خداوند با دست خود قبض روح ایشان را متولّی می‌گردد.»

از برخی روایات باب معاد می‌توان استفاده نمود که نوع قبض روح مؤمنین وابسته به درجات ایشان است؛ مؤمنین عادی توسط ملائکه جزئی و مؤمنینی که درجات عالی‌تری دارند توسط حضرت ملک الموت و مؤمنین کامل و مخلص که به مقام فناء نائل آمده‌اند به دست خود خداوند مباشرة قبض روح می‌شوند. از ضمیمه نمودن روایت فوق به این قاعده می‌توان مقام کمال اصحاب حضرت سید الشهداء علیہ السلام را به دست آورد.

۳- فرمایش حضرت امام حسین علیہ السلام در شب عاشورا که فرمودند: أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَ لَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي وَ أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا [۶] «اما بعد، من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خود و اهل بیتی را نیکوکارتر و حق بجآورتر از اهل بیت خود نمی‌شناسم؛ پس خداوند از جانب من جزای خیر به شما عطا نماید.»

ظاهر اطلاق و عموم این حدیث شریف از جهت افرادی و ازمانی این است که در هیچ زمانی اصحابی بدین پایه از شرافت وجود نداشته و نخواهد داشت؛ زیرا در زمان خود آن حضرت اصحاب و یاران متعددی وجود نداشته است که گفتن چنین سخنی نسبت به ایشان متناسب باشد.

از این تعبیر می‌توان مقام کمال اصحاب را استفاده نمود؛ زیرا به قرائن مختلفی جمعی از اصحاب سائر معصومین به مقام کمال رسیده‌بودند.

۴ - در موارد متعددی در زیارات خطاب به اصحاب عرض می‌کنیم: أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ [۷] «شما سید و سرور شهدا در دنیا و آخرت می‌باشید.» با توجه به اینکه مسلماً برخی شهدا دارای مقام کمال بوده‌اند می‌توان مقام کمال اصحاب حضرت را استفاده نمود.

۵- در برخی زیارات می‌خوانیم: أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ [۸] اِنَّتُمْ السَّابِقُونَ وَ الْمُجَاهِدُونَ، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَنْصَارُ اللّٰهِ وَ اَنْصَارُ رَسُوْلِهِ [۹]

ظاهر تعبیر السابقون منصرف به همان مصطلح قرآنی آن است که به عنوان مقرّبین از آنها یاد شده است و از اصحاب الیمین برتر می‌باشند و از قرائن متعددی در آیات استفاده می‌شود که همان مخلصین و واصلین به مقام فناء می‌باشند. [۱۰]

۶- در برخی از زیارات خطاب به آن حضرت در وصف اصحاب عرض می‌کنیم: أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ تَبِعَكَ الصَّادِقُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِمْ أَوْلِيَّكَ هُمْ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ [۱۱]

از آیات کریمه قرآن می‌توان استفاده کرد که صدیقون کسانی می‌باشند که از حقیقت نعمت که همان ولایت است برخوردار بوده و تالی تلو انبیا محسوب می‌شوند و در مقام عمل از آنچه می‌دانند هرگز تخطی نکرده و در حیطة فهم خود عصمت دارند. [۱۲]

۷- تعابیر بسیار بلندی دیگری نیز در خلال زیارات به کار رفته است که هر کدام به یکی از ابعاد مقامات اصحاب سید الشهداء علیه السلام اشاره می‌نماید که جا دارد به برخی صرفاً اشاره‌ای گذرا شود:

الف) الربانیون: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَ سَلْفٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ أَتْبَاعٌ وَ أَنْصَارٌ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا فَمَا وَهَنْتُمْ وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقَيْتُمُ اللَّهَ [۱۳]

ب) الشهداء و السعداء: أَنْتُمْ الشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمْ السُّعْدَاءُ سَعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ فُرْتُمْ بِالذَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتٍ لَا يُطْعَنُ أَهْلُهَا وَ لَا يَهْرَمُونَ وَ رَضُوا بِالْمَقَامِ فِي دَارِ السَّلَامِ [۱۴]

ج) خاصة الله: أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ [۱۵] أَنْتُمْ خَيْرَةٌ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنْتُمْ خَاصَّةُ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ [۱۶]

آنچه گذشت برخی از تعابیری بود که در شأن همة اصحاب وارد شده بود. تعابیری عالی‌تر از این نیز گاه در شأن شهدای اهل بیت علیهم السلام به خصوص وارد شده است که بررسی بحث مستقّلی را می‌طلبد.

سرّ این مقامات عالی همگی در کشش و جاذبه ملکوتی نفس مقدّس حضرت سید الشهداء علیه السلام است که محبّان و عاشقان خود را به سوی خود جذب نموده و ایشان را به مقتضای قاعده الحاق به آن حضرت ملحق می‌کند. مرحوم علامه طهرانی قدّس سرّه در اشاره به این حقیقت در ضمن مبحث لحوق می‌فرماید:

«اصحاب سید الشهداء علیه السلام همگی با آن حضرت معیت پیدا کردند، حتّی آن غلام سیاه؛ سید الشهداء علیه السلام يك غلام داشتند به نام جَوْن. این غلام مال ابو ذرّ غفاری بود و او را به حضرت بخشید. و در فنّ تعمیر اسلحه مهارت داشت ... حضرت به همه اصحاب بشارت معیت با خود را در عوالم دیگر داد. غلام سیاه باور نمی‌کند که خدا در روز قیامت او را با امام حسین محشور گرداند؛ غلام سراپا سیاه، زبانش درست نیست، مال مملکت دیگر است، قد و هیكل ندارد، لب‌ها درشت و برگشته، موها مجعد.

ولی این‌ها همه برداشته میشود؛ در عالم معنی اتّحاد ارواح است، سیاهی برداشته میشود، يك لباس زیبا در برش می‌کنند سفید، و بدنش مانند نقره خام میدرخشد.

پس از واقعه عاشورا جمعی بر معرکه عبور میکردند، دیدند در کنار کشتگان يك بدن افتاده و بوی عطری از آن متصاعد است که مانند آن به مشامشان نرسیده است؛ این بدن همان غلام سیاه بود، سیاه بود سفید شده بود، بویش معطر شده بود، ملحق شده بود به حضرت مولای خود و مُطاع خود سید الشهداء علیه السلام.

چگونه فضّه خادمه حضرت زهرا سلام الله علیها ملحق شد به آن حضرت، و سوره هَلْ أَتَىٰ که در شأن اهل بیت نازل شد فضّه را هم گرفت. سلمان فارسی در اثر اطاعت و تسلیم ملحق شد به خاندان رسول خدا و پیامبر درباره او سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فرمود.

يك بابی داریم در معارف به نام باب لُحُوقِ که ارواح همجنس با هم ملحق میشوند؛ چه ارواح بهشتی و چه ارواح جهنمی.

اصحاب حضرت سید الشهداء علیه السلام هم ملحق شدند؛ در روز عاشورا با کمال تسلیم و صفای باطن بر یکدیگر سبقت می‌جستند و خود را فدا میکردند، همه درجه معیت خود را با آن حضرت فهمیده بودند؛ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. همه رفتند و آن منادی را لَبَّيْكَ گفتند. کدام منادی؟ آن منادی که از جانب پروردگار ندا میکند: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

ترس نداشتند، غصّه هم نداشتند، زن و فرزند و مِلْک و تجارت و وطن، هر چه بود فراموش کردند. بُریر گفت: کجا بروم؟ حبیب تکلم کرد، اولاد عقیل صحبت کردند، برادران صحبت کردند؛ همه عاشق کشته شدن در راه فرزند رسول خدا بودند

لِلَّهِ دُرُّهُمْ مِنْ فِتْنَةٍ صَبَرُوا

مَا إِنْ رَأَيْتَ لَهُمْ فِي النَّاسِ أَمْثَالًا

و چه خوب سروده است شاعر:

دادیم به يك جلوه رویت دل و دین را

سلیم تو کردیم هم آن را و هم این را

ما سیر نخواهیم شد از وصل تو آری

لب تشنه قناعت نکند ماء معین را

می‌دید اگر چشم ترا لعل سلیمان

می‌داد در اوّل نظر از دست نگین را

در دائره تاجوران راه ندارد

آن سر، که نسائیده به پای تو جبین را

و نیز خوب گفته است:

ای حمد تو از صبح ازل هم‌نفس ما
 کوتاه ز دامان تو دست هوس ما
 با قافله کعبه عشقیم که رفته است
 سر تا سر آفاق صدای جَرس ما
 در پای تو آلوده لب از می‌چه بیفتیم
 رانند ملائک به پیر خود مگس ما» [۱۷]

منابع:

- ۱- الصحیفة السجادیة، دفتر نشر الہادی، قم، ۱۳۷۶ ش، چاپ اول
- ۲- الأصول الستة عشر، عده ای از علماء، محقق: ضیاء الدین محمودی و نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، قم، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش، چاپ اول
- ۳- الإقبال بالأعمال الحسنة، علی بن موسی ابن طاووس، محقق: جواد قیومی اصفهانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، چاپ اول
- ۴- بحار الأنوار، علامه مجلسی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۱۰ جلد
- ۵- کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، محقق: عبد الحسین امینی، دار المرتضویة، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ش، چاپ اول
- ۶- کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر، علی بن محمد خزاز رازی، محقق: حسینی کوهکمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق
- ۷- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، با مقدمه محمد جواد بلاغی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، چاپ سوم
- ۸- معاد شناسی، علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی، نور ملکوت قرآن، مشهد مقدس، ۱۴۲۳ ه ق، چاپ هشتم
- ۹- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، قم، ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم

پانویس

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۴۶، زیارة ليلة النصف من رجب و يومها
۲. الصحيفة السجادية، ص ۲۱۶، دعائه عليه السلام في يوم عرفة؛ كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۸۲؛ و ج ۳۶، ص ۳۱۶؛ و ج ۵۳، ص ۱۸۹ و ص ۱۹۵ و ...
۳. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص: ۶۲۳
۴. البته تمسك به این عبارت شریفه مبتنی بر این است که این وصف به اعتبار حال اصحاب قبل از شهادت بر ایشان اطلاق گردد. اما اگر به اعتبار پس از شهادت باشد ممکن است از این جهت باشد که به واسطه شهادت از معاصی پاک شده باشند و دیگر نیز از ایشان گناهی سرزده باشد؛ چنانکه در روایات ثواب حاجی آمده است: «وَ طَهَّرَتْ مِنَ الدَّنَسِ، فَاسْتَقْبِلْ وَ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ» (الأصول الستة عشر، کتاب زید النرسی، ص ۱۹۵)
۵. کامل الزیارات، ص ۲۶۴
۶. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲ و ۳۹۳
۷. کامل الزیارات، ص ۱۹۶ و ص ۲۰۴ و ص ۲۱۹
۸. کامل الزیارات، ص ۲۰۴
۹. الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۳۴۴
۱۰. رك: الميزان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۲۷۳؛ و ص ۴۳۰؛ و ج ۱۹، ص ۱۰۹ و ص ۱۱۷-۱۲۲؛ و ج ۲۰، ص ۹۶
۱۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۰
۱۲. رك: الميزان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۴۰۷
۱۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۹ و ۱۷۰ و ۲۷۱ و ۳۴۱
۱۴. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۸۸
۱۵. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۸۸
۱۶. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۴۱
۱۷. معاد شناسی، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۸